

• غرفه سوم : نجات دهنده کیست؟

راه نجات انسان‌ها، پیروی از مکتبی است که :

بر تمامی زوایای آفرینش انسان آگاهی داشته باشد؛

علت و هدف از خلقت بشر را بداند؛

کلید عوامل مؤثر و راه‌های تحقق آرمان‌های والا را دارا باشد.

پیش از این گفتیم که خدای مهربان، انسان‌هایی برگزیده را از سوی خود معرفی کرده و با نشانه‌های قدرت و آگاهی خویش، برای هدایت بشر به سوی سعادت و رستگاری فرستاده است؛ سعادت‌تی که راه رسیدن به نجات است. این گزیده‌گان، پیامبران الهی و جانشینان آنان‌اند که هم راه را می‌شناسند و هم می‌توانند انسان را به مقصود برسانند.

در این راستا، آخرین فرستاده الهی و سرور انبیا و رسل حضرت محمد بن عبدالله (صلی الله و علیه و آله سلم) پس از پایان دوران رسالت خویش، برای ما دو یادگار گران‌قدر بر جای گذاشتند که یکی هادی صامت و خاموش است؛ قرآن، و دیگری هدایتگرانی گویا برای هر زمان. چنین تعهد شده است که هر کس، توأمان، به دامن قرآن و ولی خدا دست‌زند و از امامش هدایت خواهد، راه‌های هدایت و سعادت را خواهد شناخت و به گم‌راهی و ضلال دچار نخواهد شد. این هدایتگران، دوازده جانشین برگزیده الهی‌اند که به انسان‌ها معرفی شده‌اند.

آخرین این جانشینان، مردی است از خاندان پیامبر اسلام (صلی الله و علیه و آله سلم) که از آن حضرت تنها ده پدر فاصله دارد.

او حضرت محمد بن الحسن (المهدی) فرزند حسن ابن علی (العسکری) فرزند علی بن محمد (الهادی) فرزند محمد بن علی (الجواد) فرزند علی بن موسی (الرضا) فرزند موسی بن جعفر (الکاظم) فرزند جعفر بن محمد (الصادق) فرزند محمد بن علی (الباقر) فرزند علی بن الحسین (السجاد) فرزند حسین بن علی (الشهید) فرزند علی بن ابی طالب (امیر المؤمنین) علیهم السلام است.

آن منتظر تاریخ در سال دویست و پنجاه و پنج هجری قمری در سامرا به دنیا آمده و چیزی نگذشت که به محاق غیبت رفت تا آن‌گاه که خدا بخواهد.

عصر ظهور حضرت ولی عصر (علیه السلام) عصر شکوفایی انسانیت‌ها و تکامل معنویت‌هاست. آن حضرت به عنوان منجی موعود برای به انجام رساندن چنین رسالت بزرگ و عالم‌گیری ذخیره گشته‌است و حقیقت و عظمت برنامه‌های او جز پس از ظهور آشکار نخواهد شد.

راه و روش او، راه و روش پیامبران و تداوم‌دهنده آن است. او تحقق بخش کامل همه خواسته‌های پیامبران و اسلام است. او امام زنده دوران ماست و هم چون پدری مهربان، شاهد اعمال ما، و الطافش شب و روز بر ما سایه گسترانیده‌است. او حجت و دلیل خداست و قدرت حق را در آستین دارد. آگاهی از علم الاهی سرچشمه گرفته و با تمام این داشته‌ها، پشتیبان ما و دل‌سوز سرنوشت ماست.

آن حضرت، در میان ما طوفان‌زدگان عصر غیبت، هم چون کشتی نوح و سفینه نجاتی است که غرق‌شدگان و اسیران امواج بلاراه سوی ساحل امن و رستگاری می‌برد.

داستان او، داستان کعبه است که باید به سویش پر کشید و به دور شمع وجودش طواف کرد و از پرتو انوار نورانی‌اش روشنی و حیات گرفت.

از این رو، بر ماست که:

او را بشناسیم؛

با او ارتباط پیدا کنیم؛

از او راه را بخواهیم؛

و راهی را که او می‌نماید، بیماییم.

اینکه در عصر غیبت، چگونه می‌توان از تابش آن خورشید بهره‌مند شد؟ آیا معنای نهان‌زیستی امام عصر (علیه السلام) فرو نهادن شأن امامت و محرومیت کامل ما از آثار وجودی آن امام همام است؟ پاسخ، منفی است؛ زیرا امام زمان ما - گرچه غایبند - از نظر رساندن هدایت و دست‌گیری از مردم، هیچ‌گونه فرقی با دیگر امامان ندارند. غیبت ایشان زمینه‌ای است برای امتحان بشر تا آزموده‌شوند که اگر امام را نمی‌بینند، آیا باز هم از او هدایت می‌خواهند یا نه؟

پس شأن امامتِ امام عصر (علیه السلام) در دورانِ غیبت به جای خود باقی است. از این رو باید به دامان آن حضرت چنگ زد؛ بدو تمسک جست و هم راه را جست و هم راهبر را. باید از او خواست تا ما را به سر منزل سعادت و رستگاری برساند.

چند کتابی که در این غرفه به نمایش گذارده شده است، هر کدام به نحوی راه‌نمای برقراری این شناخت و ارتباط‌اند. امید که با مطالعه‌ی آثاری این چنین، این رابطه را پی گیریم و محکم‌تر کنیم.